گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۲۲۳۱
سه شنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ ۱۰:۳۶

در ماجرای رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی؛

بی اعتمادی مردم به نظام نتیجه دروغگوئي، پنهان‌كاري و گريز از مردم در نهادهاي حاكميتي است

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، مسیح مهاجری در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت؛
اگر افراد غيرمسئول در نهادهاي حكومتي و دولتي براي پشت كردن به خط‌مشي امام خميني كه بنيانگذار نظام جمهوري اسلامي است، حرفي بزنند و يا اقدامي كنند شايد امري طبيعي باشد، اما وقتي مسئولان اين دستگاه‌ها برخلاف نظر رهبر كبير انقلاب و مؤسس نظام عمل مي‌كنند، نبايد از كنار آن بي‌تفاوت عبور كرد. اين، خطر بزرگي است كه هم انقلاب را تهديد مي‌كند و هم مانند موريانه، نظام را از درون مي‌خورد و نابود مي‌كند.
امام خميني درباره رأي مردم و مصلحت نظام، سخن روشني دارند كه در زمره محكمات انقلاب و نظام است و ايجاد خدشه و رخنه در آن، قطعاً به نابودي اصل و اساس انقلاب و نظام منجر مي‌شود و خسران بزرگ و جبران‌ناپذيري به ملت و كشور وارد مي‌كند. جمله امام اينست:

«اكثريت هرچه گفتند آراء ايشان معتبر است ولو به خلاف به ضرر خودشان باشد. شما ولي آنها نيستيد كه بگوئيد كه اين به ضرر شماست ما نمي‌خواهيم بكنيم. شما وكيل آنها هستيد، ولّي آنها نيستيد. بر طبق آنطوري كه خود ملت مسيرش هست.»(صحيفه امام، جلد۹، صفحه۳۰۴)

اين، مبناي فقهي امام خميني است و هيچكس حق ندارد برخلاف اين مبنا عمل كند. ناديده گرفتن اين مبناي رهبر انقلاب، ناديده گرفتن مردم است. مردم، صاحب انقلاب و نظام و كشور هستند و كساني كه خود را بالاتر از مردم مي‌دانند و به گمان خود، مصلحت مردم و نظام را تشخيص مي‌دهند، بيگانگاني هستند كه خود را به نهادهاي حاكميتي تحميل كرده‌اند. تكليف اين افراد را بايد روشن كرد كه تاكنون با همين تفكر انحرافي به نظام جمهوري اسلامي لطمه‌هاي فراواني وارد كرده‌اند و مردم را نسبت به بسياري از اندام‌هاي حاكميتي بي‌اعتماد نموده‌اند.
در ماجراي ردصلاحيت آيت‌الله هاشمي رفسنجاني در انتخابات رياست جمهوري سال ۱۳۹۲ يا وزير اطلاعات وقت كه گفته به شوراي نگهبان گزارش دادم چون آقاي هاشمي رفسنجاني رأي بالاي مردم را دارد و انتخابات را مي‌برد به مصلحت نظام نيست صلاحيتش تأييد شود راست مي‌گويد و يا سخنگوي شوراي نگهبان كه اين اعتراف را تكذيب مي‌كند. در هردو صورت، نتيجه اين مي‌شود كه نظام جمهوري اسلامي در نهادهاي حاكميتي دچار دروغگوئي، پنهان‌كاري و گريز از مردم است. اين، دقيقاً همان چيزي است كه مردم را بي‌اعتماد مي‌كند و به نظام جمهوري اسلامي ضربه‌اي سهمگين مي‌زند و زده است.
اينجانب، در اينجا لازم مي‌دانم دو مورد از دانسته‌هاي خودم را درباره اين موضوع به اطلاع مردم برسانم تا روشن شود كه ردصلاحيت آيت‌الله هاشمي رفسنجاني، چه براساس ترس از رأي بالاي مردم به ايشان بوده باشد و چه براساس ادعاي شوراي نگهبان كه كهنسالي را مطرح كرده بود، اقدامي كاملاً خلاف بود. اول آنكه از آقاي هاشمي رفسنجاني در همان سال ۹۲ شنيدم كه شوراي نگهبان براساس گزارش وزير اطلاعات احمدي‌نژاد ايشان را ردصلاحيت كرد و اين مطلب را ايشان از قول بعضي از حقوق‌دان‌هاي شوراي نگهبان بارها به زبان آوردند.
مورد دوم اينكه در معاشرت مستمر با آقاي هاشمي رفسنجاني در آن زمان، احساس مي‌كردم كه ايشان از نظر جسمي، روحي و فكري كاملاً قوي، سرزنده و شاداب هستند و مسائل كشور و جهان را بسيار بهتر از امثال و اقران خود مي‌فهمند. بنابراين، ادعاي ناتواني به دليل كهنسالي كاملاً خلاف و غيرواقعي است. در آن زمان، قانوني هم براي ممنوعيت رئيس‌جمهور شدن كسي كه در آستانه ۸۰ سالگي است وجود نداشت.
رد كردن صلاحيت بزرگمردي كه معتمد امام بود، شناسنامه انقلاب بود، از بزرگ‌ترين مجاهدان پيشگام در انقلاب اسلامي بود، رياست مجلس و رياست جمهوري و رياست مجلس خبرگان را در كارنامه خود داشت و در آن زمان رئيس مجمع تشخيص مصلحت نظام بود، قطعاً اقدام خلافي بود كه شوراي نگهبان مرتكب شد. كساني هم كه آن روز از كنار اين خلاف بي‌تفاوت عبور كردند، به نظام جمهوري اسلامي ظلم كردند. و حالا زمان آن فرا رسيده كه به صورت همه‌جانبه در مورد شوراي نگهبان تجديدنظر شود تا نتواند به اين روش ادامه دهد. با توجيه و تشر و حمايت‌هاي گوناگون نيز بي‌اعتمادي مردم را نمي‌توان برگرداند. مردم را با عملكرد صحيح مي‌توان در كنار نظام نگهداشت. تا دير نشده، نظام را دريابيد.